



بررسی تطبیقی اقتصاد تعاونی، سرمایه‌داری و اسلامی

■ احمدعلی یوسفی
دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

اشاره

مطابق اصول اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اقتصاد تعاونی در کنار بخش خصوصی و دولتی به صورت یکی از بخش‌های سه‌گانه اقتصاد ایران تعیین شده است. یکی از پرسش‌های اساسی که از زمان تصویب قانون تا به امروز مطرح بوده است، جایگاه اقتصاد تعاونی در نظام‌های اقتصادی است. آیا اقتصاد تعاونی به عنوان نظام تمام‌عیار اقتصادی در عرض نظام‌های سرمایه‌داری، سوسیالیسم و اسلام مطرح است؟ یا آنگونه که برخی ادعا کرده‌اند یکی از مجموعه‌های اقتصاد سرمایه‌داری یا شکل رقیق‌شده سوسیالیسم است؟ نسبت آن با اقتصاد اسلامی چیست؟ و آیا می‌تواند به صورت بخشی از نظام اقتصادی اسلام استفاده شود؟

در نوشته پیش‌رو، به روش توصیفی - تحلیلی اشاره شده و با مقایسه آموزه‌های اقتصاد تعاونی با نظام سرمایه‌داری مشخص می‌شود که اقتصاد تعاونی با نظام سرمایه‌داری به لحاظ مبانی، کارکرد و نیز نتیجه‌های حاصل‌شده، تفاوت‌های اساسی دارند؛ به گونه‌ای که آن دو را می‌توان دو نظام اقتصادی به‌طور کامل متباین دانست، اما میزان دوری آن از آموزه‌های اسلامی به مراتب کمتر است. به این علت با استفاده از آموزه‌های اسلامی می‌توان اصلاح‌هایی در آن انجام داد و کاستی‌های آن را برطرف کرد و به عنوان یکی از بخش‌های نظام اقتصادی اسلام دانست.

مقدمه

که اقتصاد تعاونی هیچ ربطی به اقتصاد سرمایه‌داری ندارد و در اساس اقتصاد تعاونی برای مبارزه با اقتصاد سرمایه‌داری و برای رفع مشکل‌های آن پدید آمده است و اصول و ارزش‌های آن با مبانی و ارزش‌های اقتصاد سرمایه‌داری ناسازگار است. در پی این نزاع یک پرسش جدی

بعد به اجرای موفق اقتصاد تعاونی در برخی نقاط جهان، طرفداران اقتصاد سرمایه‌داری کوشیدند چنین القا کنند که اقتصاد تعاونی جدا از اقتصاد سرمایه‌داری نیست. از سوی دیگر، طرفداران اقتصاد سوسیالیسم با سرسختی مدعی بودند

رو فقط تمایزهای اقتصاد تعاونی را با نظام سرمایه‌داری بررسی می‌کند. پس از تشکیل اتحادیه بین‌المللی تعاونی (۱۸۹۵م) یکی از بحث‌های مهم، بحث درباره ماهیت اقتصاد تعاونی بود. در سال ۱۹۰۴ میلادی در کنگره بین‌المللی تعاونی درباره این پرسش که «آیا طبیعت تعاونی‌ها سرمایه‌داری است؟ اختلاف نظر جدی پیش آمد. در پاسخ، سه دیدگاه مطرح شد:

۱. تعاونی حد وسط بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم است؛
۲. تعاونی‌ها مخالف سرمایه‌داری هستند؛
۳. تعاونی‌ها جزئی از نظام سرمایه‌داری هستند.

این کنگره بدون پاسخ روشنی درباره ماهیت تعاونی‌ها پایان یافت. (دیویدویچ، ۱۳۴۷: ۳۲)

فرانس هللم (Franse Helm) باور داشت که در اکثر محافل ملی و بین‌المللی که در جست‌وجوی یافتن حقیقت تعاونی هستند، بحث‌های شدیدی درباره ماهیت تعاونی و اصول محاکمه بر آن درگرفته است. وی با تصریح بر اقتصادی‌بودن تعاونی و با تأکید بر اینکه ماهیت تعاونی، سرمایه‌داری و سوسیالیستی نیست، آن را با اصول مورد نظر تعاونی معرفی می‌کند. (هللم، ۱۳۴۹: ۸)

بحث درباره جایگاه اقتصاد تعاونی نسبت به اقتصاد نظام سرمایه‌داری همچنان ادامه یافت و در کنگره سال ۱۹۱۳ میلادی بدون اینکه به پاسخ روشنی برای پرسش پیش‌گفته دست یابند، اعلام شد که در اتحادیه بین‌المللی تعاون به سوی تمام تعاونی‌های حقیقی باز است. در کنگره ۱۹۳۷ در پاریس وقتی پاسخ پرسش پیش‌گفته روشن نشد، اصولی برای تعاون به تصویب رسید و اعلام شد که هر سازمانی بخواهد تعاونی قلمداد شده، عضو اتحادیه بین‌المللی تعاون شمرده شود، باید این اصول را رعایت کند. سرانجام، اتحادیه بین‌المللی تعاون در سال ۱۹۹۵ هویت تعاونی را بیان کرد که در بحث آموزه‌های تعاونی بیان خواهد شد. (دیویدویچ،

اکنون که نظام جمهوری اسلامی ایران در صدد واگذاری اقتصاد بخش دولتی به بخش خصوصی و تعاونی است، لازم است به این امر توجه مضاعف شود. اگر پاسخ این پرسش به‌طور دقیق روشن نشود، ممکن است اجرای اصول و ارزش‌های تعاونی به دست کسانی بیفتد که هیچ باوری به آن ندارند یا تمایز آن را با مبانی و ارزش‌های نظام سرمایه‌داری درست درک نکنند. تحقیق پیش رو در صدد است تا نشان دهد که نظام سرمایه‌داری از نظر مبانی، ارزش‌ها، اصول، کارکرد و نتیجه‌های حاصل از آن، از اقتصاد تعاونی متمایز است.

آموزه‌های اقتصاد تعاونی نیز با کاستی‌های نظری روبه‌روست و آموزه‌های اسلامی می‌تواند برخی نقیصه‌های نظری اقتصاد تعاونی را برطرف سازد. همچنین، برخی موارد مانند ربا را از آن حذف و زمینه توسعه آن را فراهم کند. با توجه به مطالب پیشین، فرضیه تحقیق عبارت است از:

۱. اقتصاد سرمایه‌داری با اقتصاد تعاونی تمایزهای اساسی دارد، به گونه‌ای که می‌توان آن دو را در عرض هم و دو نظام دانست؛
۲. آموزه‌های اسلامی می‌تواند کاستی‌های نظری اقتصاد تعاونی را برطرف کرده و با حذف مواردی مانند ربا، زمینه توسعه آن را در عرصه بین‌المللی فراهم کند.

ادبیات و پیشینه موضوع تعاون‌طلبان را جدیل بر اساس اصول و ارزش‌هایی، تعاونی را در سال ۱۸۴۴ میلادی بنا نهادند تا از مفاسد اقتصاد سرمایه‌داری و سوسیالیستی به دور باشند. ابتدا طرفداران اقتصاد سرمایه‌داری و سوسیالیست‌های تخیلی تعاون‌طلب با آنان مخالفت کردند، اما پس از کامیابی‌های آنان در حل مشکل‌های اقتصادی، طرفداران هر دو نظام، تعاونی را از لحاظ ماهیت، متناسب به نظام خود دانستند (طالب، ۱۳۷۶: ۶۹-۶۱). بررسی تمایزهای جدی اقتصاد تعاونی با اقتصاد سوسیالیستی به مجال دیگری واگذار می‌شود. مقاله پیش

مطرح شد که: آیا اقتصاد تعاونی بخشی از اقتصاد سرمایه‌داری شمرده می‌شود یا با آن تفاوت داشته و خود، نظامی دیگر است؟

این پرسش هنگام تصویب اصول اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز نمایان بود و هنوز هم پرسشی جدی است.

برخی از محققان باور دارند که در کشورهای سرمایه‌داری مانند آمریکا آنچه به‌عنوان تعاونی‌ها فعالیت می‌کنند، تعاونی‌های کاذب و جعلی هستند که به وسیله سرمایه‌داران برای به‌انحراف‌کشاندن تعاونی‌های حقیقی است. (طالب، ۱۳۷۶: ۱۱ و کالن، ۱۳۵۰: ۱۹۶ و ۲)

به‌نظر می‌رسد، با توجه به ویژگی‌های اقتصاد تعاونی، درک آن به‌عنوان نظام اقتصادی در عرض نظام سرمایه‌داری برای سردمداران باهوش نظام سرمایه‌داری امری دشوار نبود، اما اعتراف به این امر، لوازمی در پی داشت که هرگز آنان ملتزم به آن نمی‌شدند. به این علت به جای اعتراف، ترجیح دادند با تأسیس تعاونی‌های کاذب، آن را به انحراف بکشانند.

آموزه‌های اقتصادی تعاونی

درک درست بُعدهای اقتصاد تعاونی بدون توجه به خواستگاه تاریخی آن و نیز سیر تحول‌های نظریه‌های گوناگونی که در طول تاریخ درباره آن شکل گرفته است، امری دشوار است (اسمیت، ۱۳۴۹: ۲۵۴). بعد از انقلاب صنعتی، اقتصاد از شکل سنتی خارج و واحدهای تولیدی با تولیدهای فراوانی روبه‌رو شدند. بر اساس تابع تولید $F=Q(L,K)$ نیروی کار (نیروی کار ساده و متخصص) و سرمایه (نقدی و غیرنقدی) دو عامل تولید هستند. Q شامل تمام کالاها و خدمات تولیدی است. آنگاه این پرسش مطرح شد که هر یک از عوامل تولید (سرمایه و نیروی کار) نسبت به این تولیدها چه سهمی دارند؟

این تابع یکی از اساسی‌ترین پرسش‌ها در اقتصاد است. نوع پاسخ به این پرسش در تعیین نوع نظام اقتصادی بسیار اثرگذار است. اقتصاد سرمایه‌داری بر اساس مبانی بینشی و ارزشی خود و نیز بر پایه اصول متخذ از آن مبانی (اصلت فرد، اصلت مالکیت فردی مطلق، اصل آزادی مطلق اقتصادی، اصل رقابت اقتصادی و اصل عدم مداخله دولت در روابط اقتصادی مردم)، در عمل به این سمت رفت که تمام مازاد

تولید، به سرمایه اختصاص دارد و نیروی کار فقط دستمزد ثابت دریافت می‌کند. در حقیقت مالکیت ابزار تولید و نیز محصول تولید و مدیریت تمام فرایند اقتصادی به سرمایه اختصاص پیدا کرد. در نتیجه، منزلت انسان در روابط جدید اقتصادی به شدت تنزل کرد و سرمایه که در اختیار افراد خاصی قرار گرفته بود، جایگاه رفیعی یافت. به این صورت نظام اقتصاد سرمایه‌داری شکل گرفت.

سرمایه‌داران، قدرت سیاسی جامعه را نیز در اختیار داشتند و کارگر در چانه‌زنی برای تعیین سهم، ناتوان بود و برای زنده‌ماندن شرایط کارفرما را که حداقل سهم از تولید بود، باید می‌پذیرفت. از سوی دیگر، دولت و هیچ نهاد دیگری حق دخالت در تعیین روابط اقتصادی بین انسان و سرمایه و سود را نداشت. وضعیت پیش‌گفته باعث شد ثروت و دارایی جامعه در دست افراد اندکی جمع شود و در طرف دیگر، خیل گرسنگان کارگر قرار گیرند (ژید و ژیست، ۱۳۷۰: ۲۷۴-۲۶۹)

نظام سرمایه‌داری بر پایه اصول خود اینگونه القا می‌کرد که گرسنگی صدها هزار کارگر، قانون طبیعی و اجتماعی است و صاحب سرمایه از نظر اخلاقی حق دارد در جهت کسب سود بیشتر، حداکثر بهره‌کشی را از کارگر به‌عمل آورد (فروم، ۱۳۸۵: ۱۱۰). در بسیاری از کارخانه‌ها، سرمایه‌داران برای کاهش دستمزد ترجیح می‌دادند از زنان و اطفال استفاده کنند. (پالمر، ۱۳۸۳: ۱۲)

در وضعیت پیش‌گفته، تولیدها فزونی، و قدرت خرید کارگران کاهش پیدا کرده بود و اقتصاد دچار رکود شد و کارفرمایان به ناچار کارگران را گروه‌گروه از کارگاه‌های تولیدی اخراج کردند (ژید و ژیست، ۱۳۷۰: ۱-۲۷۲). به این ترتیب، فقر، مسکنت و بحران‌های اقتصادی، افکار عمومی را به خود متوجه می‌ساخت و باعث نگرانی می‌شد.

ابتدا مردم شورش کردند. این روش

برخورد، ثمره چندانی نداشت. سرانجام صاحب‌نظرانی که به نام «مصلحین اجتماعی» نام گرفته بودند، نظریه‌هایی درباره اصلاح وضعیت اقتصادی و اجتماعی کارگران ارائه دادند. از سردمداران این گروه، رابرت اون، شارل فوریه و لویی بلان بودند. آنان باور داشتند که رقابت به سود سرمایه‌داران بزرگ بوده و به انحصار خواهد انجامید. آنان خواهان رقابت و همچنین انحصار نبودند؛ به همین دلیل یگانه وسیله حذف رقابت را با حفظ آزادی و مقتضیات تولید، در سازمان‌های تعاونی می‌جستند.

گروه پیش‌گفته طرح‌های فراوانی برای پدیدساختن تعاونی‌های مورد نظر خود ارائه دادند. اکثر طرح‌های آنها به شکل سوسیالیستی و غیرواقعی بود، در نتیجه موفقیتی نداشتند (طالب، ۱۳۷۶: ۵۳-۲۸ و قدیری اصلی، ۱۳۶۸: ۲۶۹-۲۶۳). گروه دیگر که به آنان «تعاون‌طلبان راجدیل» گفته می‌شد، بر اساس اصول و ارزش‌هایی تعاونی را در سال ۱۸۴۴ میلادی بنا نهادند تا از مفاسد نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم دور باشند. در اقتصاد تعاونی جدید، مالکیت خصوصی، ضمن مشاع و اشتراکی بودن، محترم شمرده می‌شود. همه انسان‌های فعال، منزل انسانی دارند، مالک محصول زحمات‌های خود هستند و به‌گونه‌ای با هم رقابت نمی‌کنند تا جامعه دچار مفاسد پیش‌گفته شود.

این گروه، نخستین گروه کامیاب در تشکیل تعاونی است که تجربه موفق آنان با استقبال روبه‌رو شده و در کشورهای دیگر مورد استفاده قرار گرفته و اصول و ارزش‌های آن به‌طور کامل متفاوت از مبانی سرمایه‌داری و سوسیالیسم بود و زیربنای اصول تعاونی جهانی واقع شد. (طالب، ۱۳۷۶: ۸۵)

پیشرفت و تحول در تعاون، بعد از پیشگامان راجدیل، همچنان ادامه یافت و شکل بین‌المللی به خود گرفت و اتحادیه بین‌المللی تعاون تأسیس شد. این اتحادیه، نفوذ فراوانی در سراسر جهان و در محافل

تعاونی پیدا کرد و در بسیاری مواقع، طرف مشورت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفت. در سال ۱۹۶۰ میلادی، اعلام شد که اتحادیه تمام‌اهتمام خود را برای جایگزینی نظام تعاونی به جای نظام سودجویی به کار می‌بندد و هدف‌های ذیل را دنبال می‌کند:

۱. نمایندگی تمام تعاونی‌های جهان که از اصول اتحادیه تبعیت کنند؛
 ۲. تبلیغ اصول و روش‌های تعاونی در سراسر جهان؛
 ۳. توسعه تعاونی در تمام کشورها؛
 ۴. حراست از منافع تعاون به هر شکل ممکن؛
 ۵. استقرار روابط حسنه بین سازمان‌های وابسته؛
 ۶. ترویج روابط دوستانه و اقتصادی، در سطح ملی و بین‌المللی، بین انواع سازمان؛
 ۷. اهتمام به برقراری صلح و امنیت پایدار.
- (دیویدویچ، ۱۳۴۷: ۲۶ و ۲۷ و وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۳: ۲۴۸-۲۴۵) اما پس از فروپاشی نظام کمونیستی شوروی و تک‌قطبی‌شدن جهان و نفوذ یک‌جانبه نظام سرمایه‌داری در جریان تعاونی، اتحادیه بین‌المللی تعاون در سال ۱۹۹۵ بیانیه‌ای صادر کرد و هویت تعاونی را در حد شرکت تعاونی تنزل داد و آن را چنین بیان کرد:

تعریف

تعاونی‌ها، اجتماع مستقل اشخاصی هستند که به منظور تأمین نیازها و هدف‌های مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود، از راه اداره و نظارت دموکراتیک مؤسسه‌ای با مالکیت مشاع، با همدیگر به صورت اختیاری توافق کرده‌اند.

ارزش‌ها

تعاونی‌ها بر ارزش‌های خودیاری، دموکراسی، برابری، انصاف و اتحاد استوار هستند. اعضای تعاونی ارزش‌های اخلاقی، صداقت، آزادی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دگرخواهی را باور دارند. نویسنده با بررسی در منابع تعاونی به

این نتیجه رسیده است که واژه «تعاون» می‌تواند در چهار معنا به کار رود که عبارت‌اند از:

۱. تعاون به‌عنوان اصل رفتاری؛
 ۲. شرکت‌های تعاونی مبتنی بر اصل رفتاری تعاون؛
 ۳. بخش تعاونی در کنار بخش دولتی و خصوصی؛
 ۴. نظام اقتصادی مبتنی بر اصل تعاون.
- از آنجا که نوشتار حاضر درصدد است تا نشان دهد اقتصاد تعاونی با توجه به ویژگی‌هایش در برابر نظام سرمایه‌داری، نظام اقتصادی شمرده می‌شود، فقط به بررسی این تلقی از اقتصاد تعاونی، بحث‌های بعدی را سامان می‌دهد. به این جهت، در نوشتار پیش رو ترکیب «نظام اقتصاد تعاونی» در برابر «نظام اقتصاد سرمایه‌داری» استعمال می‌شود.

نظام‌های اقتصادی بر اساس عنصرهایی از هم متمایز می‌شوند که با بیان آنها، جایگاه اقتصاد تعاونی نسبت به نظام سرمایه‌داری روشن می‌شود. این تمایزها بر اساس مقایسه عنصرهای مربوط به مبانی، کارکردهای اقتصاد تعاونی و سرمایه‌داری امکان‌پذیر است.

نظام اقتصاد تعاونی

با نگاهی مجدد به تابع اصلی تولید $F=Q(L,K)$ این پرسش مطرح می‌شود که انسان و سرمایه در فرایند تولید چه نقشی دارند؟ مالکیت منابع و ابزار تولید،

مال کدام عامل است؟ هر یک از دو عامل تولید، در مدیریت فرایند تولید چه نقشی دارند؟ هر یک از دو عامل تولیدی چه سهمی از محصول تولیدی دارند؟

هر یک از این پرسش‌ها در اقتصاد سرمایه‌داری پاسخ خاصی دارد، اما از نظر نظام اقتصاد تعاونی پاسخ این پرسش‌ها چیست؟ برای دریافت پاسخ صحیح آنها ابتدا باید جایگاه هر یک از عامل‌های تولید از دید نظام اقتصاد تعاونی روشن شود.

از دید اقتصاد تعاونی، سرمایه عقیم نیست، بلکه در تولید نقش دارد. این نظام به دنبال ترفیع جایگاه انسان و تنزل جایگاه سرمایه است. اندیشه‌وران اقتصاد تعاونی باور دارند که سرمایه باید در خدمت انسان باشد.

متناسب با این نوع نگاه، انسان و نیروی کار باید مالک منابع تولیدی و محصول تولیدی، مدیر فرایند تولیدی، متناسب با توان و تخصص خود بهره‌مند از دستمزد ثابت، و نیز متناسب با میزان سهم مالکیت منابع تولیدی، از سهم سود بهره‌مند شود. سرمایه نیز متناسب با نقش خود، از درآمد مناسبی بهره می‌برد.

برای تحقق و تثبیت چنین جایگاهی برای انسان در برابر سرمایه و سرمایه‌داری، باید از سرمایه عظیم اجتماعی که در قالب اتحاد و رفتار انسانی تبلور می‌یابد و اقتصاد تعاونی را سامان می‌دهد، استفاده کرد. تبیین ویژگی‌های این اقتصاد با

از دید اقتصاد تعاونی، سرمایه عقیم نیست، بلکه در تولید نقش دارد. این نظام به دنبال ترفیع جایگاه انسان و تنزل جایگاه سرمایه است. اندیشه‌وران اقتصاد تعاونی باور دارند که سرمایه باید در خدمت انسان باشد.



عنصرهای هشت گانه زیر، ویژگی‌ها و امتیازهای اقتصاد تعاونی را نسبت به اقتصاد سرمایه‌داری روشن می‌کند:

۱. هدف فعالان اقتصادی، رفع نیازهای خود و دگرخواهی، توسعه مالکیت و ترفیع شأن انسان است؛

۲. مالکیت در اقتصاد تعاونی مشاع و محدود است. در صورتی که سرمایه برخی از آنها نسبت به دیگران بیشتر باشد، این امر برای آنها حق مدیریت بیشتری پدید نمی‌آورد؛

۳. جایگاه سرمایه تنزل یافته و میزان آن، هیچ نقشی در مدیریت ندارد، اما جایگاه انسان ترفیع می‌یابد و در مدیریت نقش اساسی دارد؛

۴. تعاون، اصل رفتاری حاکم بر اقتصاد تعاونی است و رقابت به شکل داروینیستی آن، هیچ جایگاهی در آن ندارد؛ البته، رقابت مسئولانه بلامانع است؛

۵. در اقتصاد تعاونی، انحصار شکل نمی‌گیرد، چون این اقتصاد در هنگام اجرا و عمل تابع اصولی است که پیگیری آن اصول، همراه با ضمانت اجرایی و قانونی است که مانع وقوع انحصار می‌شود؛

۶. فعالان اقتصاد تعاونی، ضمن بهره‌مندی از حق آزادی، در برابر دیگران مسئولیت‌های اقتصادی و اجتماعی دارند؛

۷. فعالان اقتصاد تعاونی، قیمت تولیدات را با رعایت مسئولیت‌های خود و نیز با مراعات ارزش‌های اخلاقی به ساز و کار عرضه و تقاضای بازار وا می‌گذارند؛

۸. استقلال و وابسته‌نبودن حتی به

دولت: این امر باعث خلاقیت و ابتکار همه نیروهای کار شده و به معنای واقعی اقتصاد به دست مردم سپرده می‌شود.

برای تحقق اقتصاد تعاونی با ویژگی‌های پیش‌گفته، باید اصولی تأسیس و در فعالیت‌های اقتصادی مراعات شود.

**براساس اصل رفتاری
تعاون، توجه به جامعه،
مسئولیت‌پذیری اجتماعی
و دگرخواهی یکی از اصول
اقتصاد تعاونی است، در
حالی که فردگرایی و اصالت
فرد از شاخصه‌های اصلی
نظام سرمایه‌داری است.**

اصول اجرایی نظام اقتصاد تعاونی
از آنجایی که اقتصاد تعاونی برای ترفیع جایگاه انسان در برابر اقتصاد سرمایه‌داری است، باید اصولی در فعالیت‌های اقتصادی رعایت شود تا این جایگاه محقق و در فرایند اقتصادی محفوظ بماند:

- اصل نخست، مشارکت اقتصادی اعضا: تمام فعالان اقتصادی با مالکیت مشاع بنگاه و سرمایه آن برای رسیدن به هدف‌های اقتصادی با هم همکاری و مشارکت می‌کنند. این امر باعث می‌شود تا در دوران رونق اقتصادی، همه فعالان اقتصادی به میزان کوشش خود از سود دوران رونق بهره‌مند شوند و در دوران رکود اقتصادی از کار اخراج نشوند، بلکه با کوشش فراوان و بهره‌مندی کمتر، موقعیت اقتصادی خود را حفظ کنند؛

- اصل دوم، حق عضویت اختیاری و آزاد برای همه افراد جامعه: هر فردی تصمیم داشته باشد اصول و ارزش‌های اقتصاد تعاونی را رعایت کند، می‌تواند درخواست عضویت در بنگاه‌های اقتصادی کند یا با مجموعه دیگری تشکیل بنگاه اقتصادی دهد. البته در کنار این حق مسئولیت‌های حقوقی و اخلاقی متوجه آنها خواهد شد؛

- اصل سوم، حق مشارکت در مدیریت و کنترل فرایند اقتصادی از طریق هر نفر یک رأی: چون اگر میزان دخالت در مدیریت و رأی، تابع میزان مالکیت سرمایه باشد، جایگاه انسان در فرایند اقتصادی تنزل و جایگاه سرمایه ترفیع می‌یابد؛

- اصل چهارم، آموزش، کارورزی و اطلاع‌رسانی به همه اعضا و افراد علاقه‌مند به فعالیت اقتصادی: این امر به معنای واقعی، اقتصاد دانش‌محور را عمومی و فراگیر می‌کند؛

- اصل پنجم، همکاری و مشارکت بین بنگاه‌های اقتصادی: عمل به این اصل باعث گسترش اقتصاد تعاونی در عرصه ملی بلکه بین‌المللی شده و مانع وقوع رقابت داروینیستی می‌شود. البته فعالان



اقتصادی در کنار حق بهره‌مندی از رقابت برای حفظ موقعیت خود در برابر بنگاه‌های نظام سرمایه‌داری، با مسئولیت‌هایی نیز روبه‌رو هستند که عمل به آنها لازم است؛ - اصل ششم، توجه به جامعه و دگرخواهی: برای تحقق این اصل، همه فعالان اقتصادی می‌کوشند تا اقتصاد تعاونی فراگیر شود و همه افراد با اندک سرمایه، به تعاونی ملحق شوند و حتی بخشی از سود بنگاه‌های اقتصادی برای توسعه اقتصاد تعاونی اختصاص پیدا می‌کند؛

- اصل هفتم، اختصاص مازاد بازگشتی و سود به نیروی کار بر اساس میزان تخصص و بهره‌وری آنها: در اقتصاد تعاونی، تمام نیروی کار بر اساس میزان تخصص خود دستمزد ثابتی دارند. افزون بر آن، مازاد بازگشتی و سود، بر اساس تخصص نیروی کار به خود آنها پرداخت می‌شود. در اقتصاد سرمایه‌داری، به نیروی کار متخصص و غیرمتخصص فقط دستمزد ثابتی تعلق می‌گیرد. این امر انگیزه کوشش نیروی کار متخصص را نسبت به وضعیتی که تمام سود و مازاد بازگشتی بر اساس تخصص و کوشش به نیروی کار تعلق گیرد، کاهش می‌دهد؛

- اصل هشتم، تعلق سود محدود به سرمایه: میزان تعلق سود به سرمایه باید حداکثر تا حدی باشد که به جایگاه انسان در فرایند اقتصادی در برابر سرمایه، صدمه نزند؛

- اصل نهم، حمایت دولت از اقتصاد تعاونی: دولت با حفظ استقلال این اقتصاد با امکانات ملی که در اختیار دارد باید به این اقتصاد کمک کند تا قدرت ماندگاریش فزونی یابد. (اتحادیه بین‌المللی تعاون، ۱۳۷۷: ۷ و ۸ و طالب، ۱۳۷۶: ۸۹)

شایان ذکر است که تحقق آموزه‌های نظام اقتصاد تعاونی ضمانت‌های اجرایی و قانونی دارد که در مجال دیگری تبیین خواهد شد.

آموزه‌های نظام سرمایه‌داری (مبانی و اصول)

نوع نگاه به مقوله‌های اساسی هستی‌مانند رابطه خدای متعال با جهان و انسان، خود انسان و جامعه در رفتارهای اقتصادی انسان و در پذیرش نوع نظام اقتصادی اثر جدی دارد. در نوشتار حاضر، با تبیین این مسئله، زمینه مقایسه اقتصاد تعاونی با اقتصاد سرمایه‌داری فراهم می‌شود:

۱. اساسی‌ترین مبانی اعتقادی نظام سرمایه‌داری، «دئیسم» است. بر اساس این مبنا، خداوند متعال بعد از آفرینش جهان طبیعت، نظام طبیعی را که کارآمدترین نظام در عالم تکوین است، در آن قرار داده است. نظام اقتصادی نیز جزئی از نظام طبیعی است. مطابق این نظام هر کس در پی حداکثرسازی منافع مادی شخصی خود است و «دست نامرئی» آدام اسمیت باعث می‌شود تا منافع عموم نیز حداکثر شود. یگانه وظیفه عالمان اقتصادی، درک و شناسایی نظام طبیعی و هم‌سویی و هماهنگی با آن است (کاپلستون، ۱۳۷۵؛ ژید و ژیسست، ۱۳۷۰؛ تفضلی، ۱۳۷۵ و نمازی، ۱۳۸۲). نتیجه‌های این دیدگاه عبارت‌اند از:

الف) بی‌نیازی از قانونگذاری؛

ب) آزادی اقتصادی

ج) عدم مداخله دولت در اقتصاد. (ژید و ژیسست، ۱۳۷۰؛ نمازی، ۱۳۸۲ و تفضلی، ۱۳۷۵)

۲. نظام سرمایه‌داری بعد از معرفی نظام طبیعی، خدای متعال و اراده وی را از عرصه فعالیت‌های اقتصادی حذف و انسان و اراده وی را به‌عنوان خاستگاه اصلی خود معرفی کرد. اراده و خواست بشر، ارزش اصلی، بلکه منبع ارزش‌گذاری شمرده شد و تمام ارزش‌های دینی ناسازگار با خواسته‌های انسان، ضداثر تلقی شدند (آربلاستر، ۱۳۷۷ و لالاند، ۱۳۷۵)

۳. نظام سرمایه‌داری اصالت لذت مادی را در معرفی سعادت و شقاوت، معیار قرار

داد و ارزش‌ها و ضداثرش‌ها نیز با همین معیار مورد ارزیابی قرار گرفت (راسل، ۱۳۷۳ و کاپلستون، ۱۳۷۵). سرانجام آنان «سعادت» و «لذت» را مترادف هم گرفتند (راسل، ۱۳۷۶: ۱۱۸). اصل لذت را معیار حق و باطل قرار دادند (هنری و استرول، ۱۳۷۴: ۵۰) و سرانجام هدف نهایی انسان را در فعالیت اقتصادی منفعت شخصی مادی معرفی کردند (ولنکستر، ۱۳۵۸: ۳-۱۲۴) و کینز- در شمار بزرگترین اقتصاددانان نظام سرمایه‌داری- بر این باور است که نیک، بد و بد، نیکوست؛ زیرا بد مفید است و نیکو سودمند نیست. (سی‌بی‌مک، ۱۳۶۹: ۱۲۲ و ۱۲۳)

۴. نظام سرمایه‌داری، به اصالت فرد باور دارد و جامعه، عنوانی انتزاعی است، بنابراین همه چیز باید از آن فرد باشد. بر این اساس، مالکیت فردی خصوصی، جایگاه رفیع پیدا می‌کند و انسان در عرصه اقتصادی آزادی مطلق دارد. (آنتونی، ۱۳۷۷: ۸۰-۵۵)

۵. بر اساس مالکیت فردی، آزادی اقتصادی و پیگیری حداکثر منافع مادی شخصی از فعالیت‌های اقتصادی و قاعده رفتاری رقابت آزاد منتج می‌شود. رقابت در طول تاریخ نظام سرمایه‌داری، تفسیرهای گوناگونی به خود گرفته است (رنانی، ۱۳۷۶: ۱۰۰-۸۳)، اما در تمام این تفسیرها، مفهوم داروینستی عبارت است از: کوشش و مبارزه با رقیبان برای پیروزی در دستیابی به امکانات اقتصادی بیشتر. (Schnitzer, 1994: 26)

۶. نتیجه‌های فلسفه نظام سرمایه‌داری از دید برخی اقتصاددانان، با نقدهایی روبه‌رو شده و برخی اصلاح‌های روبنایی انجام داده‌اند، اما هیچگاه مبانی نظام سرمایه‌داری را نفی نمی‌کنند. این ناسازگاری بین نتیجه‌ها و عمل، و فلسفه نظام سرمایه‌داری، مشکل دیگری برای این نظام است. (موحد، ۱۳۸۱ و بلوم، ۱۳۷۳)

جایگاه آموزه‌های اسلامی نسبت به آموزه‌های نظام سرمایه‌داری و تعاونی

در ادامه، آموزه‌های نظام سرمایه‌داری و تعاونی با هم مقایسه شده و ضمن

بیان سازگاری یا ناسازگاری آنها، میزان هم‌سویی آنها نسبت به آموزه‌های اسلامی بیان می‌شود:

۱. رعایت ارزش‌های اخلاقی مانند: صداقت، وفاداری و انصاف جزو ماهیت نظام اقتصاد تعاونی است (معاونت تحقیقات و آموزش و ترویج دفتر تحقیقات وزارت تعاون، ۱۳۷۷: ۸). چنانکه گذشت، تمام ارزش‌های اخلاقی این‌چنینی، هم بر اساس مبانی اعتقادی نظام سرمایه‌داری و هم بر اساس تصریح بزرگ‌ترین مدعیان این نظام مانند کینز، ضداً ارزش و ضداً اخلاق شمرده می‌شوند.

آموزه‌های اسلامی ضمن پذیرش ارزش‌های اخلاقی، بر رعایت آنها، از جمله صداقت (کلینی، ۱۳۶۳: ۲-۱۰۴)، وفاداری (سوره مبارکه اسراء، آیه ۳۴ و سوره مبارکه مائده، آیه ۱ و انصاف (کلینی، ۱۳۶۳: ۲، ۱۴۸-۱۴۴ و نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۱، ۳۱۱، ح ۱۳۱۲۶) تأکید فراوانی کرده است.

۲. اتحاد و همکاری در تعاونی امری اصیل است و همه افراد رفع و ارضای حاجت‌های خود و دیگران را از راه همکاری و اتحاد بر راه‌ها و وسایل فردی ترجیح می‌دهند (معاونت تحقیقات و آموزش و ترویج دفتر تحقیقات وزارت تعاون، ۱۳۷۷: ۸). در حالی که نظام سرمایه‌داری حداکثر کردن منافع مادی فردی را فقط هدف هر نوع فعالیت انسان قرار می‌دهد، البته ممکن است در فعالیت‌های همکاری جمعی را بر فعالیت فردی ترجیح دهد، اما این امر در صورتی اتفاق می‌افتد که همکاری جمعی سود مادی شخصی را افزون‌تر کند. آیه‌های قرآن بر اتحاد و همکاری در تمام امور تأکید دارد:

«واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا»؛ سوره مبارکه آل عمران: آیه ۱۰۳؛ «همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید».

قرآن تأکید دارد که امور دنیایی هرگز نمی‌تواند باعث همبستگی پایدار بین مردم شود:

«لو انفق ما فی الارض جميعاً ما الفت

بین قلوبهم و لكن الله الف بینهم»؛ سوره مبارکه انفال: آیه ۶۳؛ «[ای پیامبر] اگر تمام آنچه روی زمین است صرف می‌کردی که میان آنان الفت دهی، نمی‌توانستی، اما خداوند میان آنان الفت پدید آورد».

طبیعی است اگر وحدت و همکاری فقط برای رسیدن به امور مادی شخصی باشد، افرادی که در چرخه وحدت قرار گیرند هر موقع احساس کنند که پدیدساختن تفرقه و گسستن ریسمان همبستگی، آنها را به منافع مادیشان می‌رساند، کوشش خواهند کرد تا وحدت موجود را به هم بریزند. اینگونه وحدت هرگز مورد نظر تعاون نیست. بنابراین، اقتصاد تعاونی اگر بخواهد بین تعاون‌طلبان، همبستگی پایدار پدید آورد، به ناچار باید از امور معنوی و الهی بهره‌مند شود.

۳. براساس اصل رفتاری تعاون، توجه به جامعه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دگرخواهی یکی از اصول اقتصاد تعاونی است (معاونت تحقیقات و آموزش و ترویج دفتر تحقیقات وزارت تعاون، ۱۳۷۷: ۸)، در حالی که فردگرایی و اصالت فرد از شاخصه‌های اصلی نظام سرمایه‌داری است. الگوی رفتاری مطلوب از نظر این نظام رقابت است. اصل رفتاری رقابت، مزیت‌های غیرقابل‌انکاری دارد که عبارت هستند از: ابتکار و خلاقیت، کشف روش‌های کارآمد، کاهش هزینه‌ها و رشد اقتصادی. البته با پیگیری اصل رفتاری تعاون، افزون بر مزیت‌های پیش‌گفته، می‌توان مزیت‌های اصل رفتاری رقابت را نیز تحصیل کرد و هیچ علتی وجود ندارد که مزیت‌های مربوط به اصل رفتاری رقابت را از راه رعایت اصل رفتاری تعاون نتوان تحصیل کرد، اما با توجه به مبانی پیش‌گفته و تلقی خاص نظام سرمایه‌داری از بدی و خوبی، آثار منفی رقابت نیز بر صاحب‌نظران اقتصادی پوشیده نیست. پدیدساختن قطب‌های عظیم اقتصادی، انحصاری‌های بزرگ، بروز شکاف طبقاتی شدید در سطح بین‌المللی و فقر گسترده در بخش اعظم

کره زمین، محصول همین رقابت است. (تفضلی، ۱۳۷۵؛ بوزان، ۱۳۷۸ و یوسفی، ۱۳۸۶)

از دید آموزه‌های اسلامی تردیدی در تأیید اصل رفتاری تعاون و مسئولیت‌های اجتماعی افراد نسبت به هم وجود ندارد. پیامبر گرامی اسلام (ص) در سخنان فراوانی مردم را خطاب قرار داده و به مسئولیت آنان در برابر هم تأکید فرموده‌اند: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته».

(بخاری، ۱۹۸۱: ۱ و ۱۶۰ و مجلسی، ۱۳۷۴: ۷۵ و ۳۸)

«همه شما نگهبان هستید و همه شما در برابر مردم مسئول هستید».

همچنین پیامبر اکرم (ص) در گفتاری دیگر برای اهتمام به امور مسلمانان فرمود: «من اصبح ولا یهتم بامور المسلمین».

براساس این قبیل آموزه‌ها واضح است که آموزه‌های تعاونی با آموزه‌های اسلامی هم‌سویی بیشتری دارد.

۴. استقرار روابط حسنه بین سازمان‌های وابسته و نیز ترویج روابط دوستانه اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی دو هدف اتحادیه بین‌المللی تعاون است (دیویدویچ، ۱۳۴۷: ۲۶ و ۲۷). این هدف‌ها با اجرایی کردن اصول و ارزش‌های تعاونی محقق می‌شوند، اما بر اساس ویژگی‌ها و آموزه‌های نظام سرمایه‌داری هرگز نمی‌توان انتظار روابط دوستانه اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی بین بنگاه‌های اقتصادی را داشت.

آموزه‌های اسلامی برای تحقق روابط حسنه در عرصه اقتصادی بر این قبیل قاعده‌های رفتاری تأکید می‌کنند: اخوت، انسان‌دوستی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، همبازی، انصاف، وفاداری، مدارا، امانتداری، صداقت و حسن خلق.

بنابراین، اگر اقتصاد تعاونی با اجرایی کردن اصول خود به تحقق این ارزش‌ها کمک کند، به یقین هم‌سویی بیشتری با آموزه‌های اسلامی دارد.

۵. در نظام سرمایه‌داری، سرمایه نقش

محوری و فرمان‌روا را بر عهده دارد، اما در اقتصاد تعاونی، انسان محور اصلی تمام فعالیت‌هاست. (همان: ۲۰۶-۱۹۴)

انسان از دید اسلام جایگاه رفیعی دارد. قرآن تصریح می‌کند که انسان جانشین خدا روی زمین و مسئول در برابر وی است (سوره مبارکه بقره، آیه ۳۰ و سوره مبارکه انعام، آیه ۱۶۵). فقط کسانی که به این جایگاه باور دارند، حاضر هستند اراده وی را در تولید و توزیع در تعاونی به رسمیت بشناسند و جایگاه اصلی را در فعالیت اقتصادی به جای سرمایه به انسان بدهند. ۶. در اقتصاد تعاونی سود سهام محدود و اندک است. سود به میزان کوشش افراد بین آنان توزیع می‌شود. در نظام سرمایه‌داری، سود به نسبت سهام و سرمایه است (دیویدویچ، ۱۳۴۷: ۲۰۶-۱۹۴). این اصل تعاونی نیز به جهت ترفیع جایگاه انسان در فعالیت‌های اقتصادی است.

۷. در اقتصاد تعاونی نتیجه فعالیت اقتصادی به خود اعضا برمی‌گردد. در حالی که در نظام سرمایه‌داری نیروی کار به خدمت سرمایه درمی‌آید و برای مزد ثابتی کار می‌کند و حاصل دست‌رنج آنها، عاید سرمایه‌دار می‌شود. (همان)

در آموزه‌های اسلامی، یکی از معامله‌هایی که مکروه شمرده شده، اجیرشدن انسان است. در این باره هم فتوای فقیهان اسلام صریح است (طوسی، ۱۴۲۲ و فیض کاشانی، ۱۴۱۲) و هم روایت‌های فراوانی وارد شده است (حر عاملی، ۱۴۱۳). امام صادق (ع) در یکی از روایت‌ها، علت اقتصادی کراهت اجیرشدن را چنین بیان می‌فرماید:

«مَنْ آجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ حَظَرَ عَلَيْهَا الرِّزْقَ وَ كَيْفَ لَا يَحْظُرُ عَلَيْهَا الرِّزْقَ وَ مَا أَصَابَهُ فَهُوَ لِرَبِّ آجَرَةٌ» (همان: ۱۷، ۲۳۹)؛

«هر انسانی خود را در کاری اجیر کند، روزی را بر خود ممنوع کرده است. چگونه چنین انسانی روزی را بر خود ممنوع نکرده، در حالی که نتیجه زحمتش مال کسی است که وی را اجیر کرده.»

۸. در نظام سرمایه‌داری اهمیت مؤسسه‌های اقتصادی بر اساس میزان سرمایه آنها ارزیابی می‌شود؛ اما در اقتصاد تعاونی اهمیت مؤسسه‌های تعاونی بر اساس تعداد اعضا، رشد فکری و میزان همکاری بین آنان تعیین می‌شود؛ هر چند

**آموزه‌های اسلامی برای
تحقق روابط حسنه در
عرصه اقتصادی بر این قبیل
قاعده‌های رفتاری تأکید
می‌کنند: اخوت، انسان‌دوستی،
مسئولیت‌پذیری اجتماعی،
همیاری، انصاف، وفاداری،
مدارا، امانت‌داری، صداقت و
حسن خلق.**

سرمایه بی‌اهمیت تلقی نمی‌شود و در خدمت انسان قرار دارد. (دیویدویچ، ۱۳۴۷ و نظام‌شهادی و عزیززاده‌اقدم، ۱۳۷۸)

۹. در اقتصاد سرمایه‌داری هر یک از افراد به میزان مالکیت فردی خود اهمیت داشته و در مدیریت دخالت دارند. در اقتصاد تعاونی گرچه مالکیت فردی طرد نمی‌شود، اما مالکیت فردی در قالب گروه اجتماعی مورد تأکید است. مالکیت به ضرورت مشاعی است و برای مالک حق بیشتری نسبت به دیگران در رأی و مدیریت پدید نمی‌آورد.

هر دو نوع مالکیت فردی مشاعی و غیرمشاعی مورد تأیید آموزه‌های اسلامی است، اما آنچه در اقتصاد تعاونی اهمیت دارد، نفی سرمایه‌سالاری و ترفیع جایگاه انسان در فرایند فعالیت‌های اقتصادی است که پیشتر اهمیت این مسئله بر اساس آموزه‌های اسلامی بیان شد.

آنچه بیان شد، نشان می‌دهد که نظام سرمایه‌داری، از جهت مبانی با اقتصاد تعاونی متفاوت است. می‌توان نظام سرمایه‌داری را با اقتصاد تعاونی از نظر نتیجه‌های اجرای اصول و ارزش‌های مورد قبول آنها نیز ارزیابی کرد.

مقایسه نتایج اجرای آموزه‌های نظام سرمایه‌داری و تعاونی

تردیدی نیست که اگر اصول و ارزش‌های اقتصاد تعاونی در عرصه اقتصادی اجرا شود، رفاه عمومی حاصل می‌شود و فقر، فساد اجتماعی و فاصله طبقاتی کاهش جدی می‌یابد. کامیابی تعاونی‌های اولیه



و نیز برخی کشورهای دیگر پیش از یک قطبی شدن اقتصاد در سطح بین‌المللی، شاهد این مدعاست اما آمارها نشان می‌دهند که آموزه‌های نظام سرمایه‌داری، تولید فقر، فساد و فاصله طبقاتی شدید است.

در سال ۲۰۰۳ میلادی اعضای سازمان ملل بر سر هدف‌های توسعه هزاره سوم به توافق رسیدند. هدف از این برنامه، کاهش ۵۰ درصدی فقر در جهان تا سال ۲۰۱۵ اعلام شد. حل مشکل‌هایی مانند: گرسنگی، بیماری، بی‌سوادی، صدمه به محیط زیست و گسترش ایدز از جمله معیارهای سنجش تحقق هدف پیش‌گفته بود. مارک مالوک براون، مدیر برنامه توسعه سازمان ملل در تحقق هدف‌های پیش‌گفته تردید کرده و مدعی است در وضعیت خطرناکی به سر می‌بریم. بیش از یک میلیارد نفر، یعنی یک ششم جمعیت جهان، هنوز در فقر شدید زندگی می‌کنند. این افراد، روزگار خود را در وضعیت نکبت‌بار زاغه‌نشین‌ها می‌گذرانند. وی باور دارد بدون اعمال تغییرهای بنیادی، شمار این افراد طی ۳۰ سال آینده دو برابر شده و تا سال ۲۰۵۰ ممکن است ۳/۵ میلیارد نفر از جمعیت شش میلیاردی شهرنشین زمین در زاغه‌ها زندگی کنند و ادامه این وضعیت مایه شرمساری جهانیان است.

بر پایه آمار بانک جهانی در سال ۱۹۹۳، تعداد فقیران در کشورهای کمتر توسعه‌یافته که در وضعیت وخامت به سر می‌برند، حدود یک میلیارد و سیصد میلیون نفر است (تیرل وال، ۱۳۷۸: ۵۳) و در کشورهای سرمایه‌داری صنعتی ۱۰۰ میلیون فقیر وجود دارد (بانک جهانی، ۱۹۹۵). همچنین کشورهایی با درآمد پایین که ۶۰ درصد جمعیت جهان را دارند، فقط ۶ درصد درآمد جهان را در اختیار دارند و کشورهای سرمایه‌داری صنعتی با جمعیت ۲۵ درصد جهان، ۷۷ درصد درآمد جهان را در چنگ خود دارند. (تیرل وال، ۱۳۷۸: ۵۵)

همچنین برخی آمارها حکایت دارند که اگر جمعیت جهان به پنج پنجم

تقسیم شود، ثروتمندترین پنجم، ۸۳ درصد درآمد دنیا را به خود اختصاص داده است، اما فقیرترین پنجم، فقط ۱/۴ درصد درآمد دنیا را دارد. متأسفانه هر چه دنیا ثروتمندتر می‌شود، وضعیت نابرابری بدتر می‌شود؛ به طوری که در دهه ۱۹۶۰ میلادی، درآمد پنجک ثروتمند، ۳۰ برابر پنجک فقیر دنیا بود اما امروزه این نسبت، ۸۰ برابر شده است.

مطابق تحقیق فرانسیس بورگیگنون و کریستین موريسن برای سال‌های ۱۸۲۰-۱۹۹۲ مشخص شد که سهم بیست درصد فقیر دنیا از درآمد جهان در سال ۱۸۲۰، ۴/۵ درصد بوده اما در سال ۱۹۹۲ بدتر شده و به ۲ درصد رسیده است. این در حالی است که سهم ده درصد ثروتمند دنیا از ۴۳/۱ درصد به ۵۳/۴ درصد افزایش یافته است. همین‌طور وضعیت ضریب جینی به گونه‌ای که از ۰/۵۰۴ به ۰/۶۶۳ افزایش یافته که نشان‌گر بدتر شدن نابرابری در سطح جهان است.

وضعیت نابرابری و فقر در کشور آمریکا در جایگاه مظهر نظام سرمایه‌داری، به هیچ‌وجه مطلوب نیست. در ۱۹۷۳ میلادی سهم درآمد یک پنجم پایین‌ترین خانواده‌ها، ۵/۵ درصد کل درآمد و سهم درآمد یک پنجم بالاترین خانواده‌ها، ۴۱/۱ درصد کل درآمد بود و در سال ۱۹۹۱ سهم دسته اول به ۴/۵ و دسته دوم به ۴۴/۲ رسید و این روند با اندک تغییرهایی همچنان ادامه دارد. (بیو، ۱۳۷۶: ۳۲۹)

بر اساس آمار دیگری در سال ۱۹۸۹ در آمریکا، حدود یک درصد از ثروتمندترین خانواده‌ها ۱۴/۱ درصد درآمدها را به دست آوردند (همان: ۱۶۳). همچنین، برخی آمارها نشان می‌دهد که بین ده تا پانزده درصد جمعیت آمریکا (حدود ۳۷ میلیون نفر) زیر خط فقر قرار دارند (ماکارو، ۱۳۷۸: ۲۰۷). اما نویسنده کتاب آمریکای دیگر با استناد به آمارهای فقر در آمریکا مدعی است که بین ۲۵-۲۰ درصد مردم آمریکا فقیر و مسکن مناسب، بهداشت و

خوراک کافی ندارند. شمار این افراد بین چهل تا پنجاه میلیون نفر است. (هرینگتن، ۱۳۵۶: ۲۵ و ۲۳۱)

طبق برآوردی بر پایه اطلاعات فدرال رزرو در سال ۱۹۹۰، ارزش خالص ثروت یک درصد بالای جمعیت آمریکا، بیشتر از ارزش خالص ثروت ۹۰ درصد پایین جمعیت بود. جالب اینکه دارایی ده خانواده ثروتمند آمریکایی روی هم، نزدیک ۱۵۰ میلیارد دلار، برابر کل ثروت یک میلیون خانواده متوسط است. نکته مهمتر آنکه ۴۰ درصد پایین جمعیت، بیش از آنچه درآمد دارند، بدهکار هستند. (شارون، ۱۳۷۹: ۱۰۱)

ممکن است پرسیده شود که آمارها، تمام کشورها از جمله کشورهای اسلامی را شامل می‌شود، درحالی که این تحقیق درصدد نشان دادن فساد و ناکامی نظام سرمایه‌داری است؟

در پاسخ باید گفت که آموزه‌های نظام سرمایه‌داری - غیر از زمانی محدود و در بخش کوچکی از کشورهای کمونیستی - چند قرن در تمام جهان پیگیری می‌شود. در کشورهای اسلامی نیز نظام اقتصاد اسلامی شناسایی و معرفی و اجرا نشد. فقط بر اساس احکام اسلامی برخی موارد و در برخی کشورهای اسلامی به ظاهر جلو برخی موارد، خلاف بین و مسلم گرفته شد که آن هم به‌طور معمول متخصصان اقتصادی درصدد راه‌های جایگزین که همان کارکرد نظام سرمایه‌داری را داشته باشد، می‌روند. آیا غیر از نظام سرمایه‌داری در جایی از جهان، نظام اقتصادی دیگری دنبال می‌شود؟ آیا نظام سرمایه‌داری اجازه چنین امری را داده یا می‌دهد؟

بنابراین، تردید در اینکه وضعیت فعلی جهان، محصول اجرای آموزه‌های نظام سرمایه‌داری است، تطهیر نابحق این نظام است.

آیا وضعیت کنونی از گذشته بهتر است؟ به یقین، وضعیت فعلی شباهت فراوانی به ابتدای دوران نظام سرمایه‌داری دارد: اولاً،

فقر و فساد و شکاف درآمدی شدید در دنیا حاکم است؛ ثانیاً، رکود شدید در بازارهای مالی و تولیدهای صنعتی وجود دارد؛ ثالثاً، کاهش قدرت خرید مردم، آنان را با مشکل‌های فراوانی برای تأمین حداقل‌های زندگی روبه‌رو کرده است؛ رابعاً، اخراج کارگران فراوان باعث افزایش خیل بیکاران در دنیا شده است. همین کارگران هنگام رونق اقتصادی فقط درآمد ثابت خود را دریافت می‌کنند و همه منافع رونق از آن سرمایه‌داران است، اما هنگام رکود باید از کارخانه‌ها اخراج شوند. در حقیقت بر دنیای تحت سیطره نظام سرمایه‌داری سایه فقر و ناامیدی حاکم شده است.

خداشناسی اسلامی و اثر آن بر اقتصاد تعاونی

۱. باور به خدای خالق انسان و تمام اشیاء (سوره مبارکه انعام، آیه ۶) دارای ربوبیت مستمر (سوره مبارکه انعام، آیه ۱۶۴)، محیط و مسلط بر انسان و جهان (سوره مبارکه نساء، آیه ۱۲۶)، قیوم انسان و هستی (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۵۵)، وکیل (سوره مبارکه انعام، آیه ۱۰۳)، رزاق (سوره مبارکه آل عمران، آیه ۲۷) و...، پشتوانه قوی معنوی برای انسان در انجام امور است. به انسان ایمانی می‌دهد که برای کارهای بزرگ وی را آماده و استوار می‌کند. باوری که برای تحقق هدف‌ها، اصول و ارزش‌های تعاون مورد نیاز است؛

۲. باور به خدای متعال حسابرس دقیق و سریع، مهم‌ترین ضمانت اجرای قوانین و نیز عمل به ارزش‌های اصیلی مانند انصاف در اقتصاد تعاونی است. این باور، قدرتی ناظر و پویا در نهان انسان پدید می‌آورد تا در وقتی که هیچ نگاه بشری نگهبان وی نیست، از اجرای قوانین و تحقق ارزش‌های تعاونی پاسداری کند؛

۳. باور به هدایت تشریحی خدای متعال (سوره مبارکه جمعه، آیه ۲) باعث می‌شود که انسان‌ها افزون بر بهره‌مندی از حس و عقل، از آموزه‌های وحی در تنظیم روابط اجتماعی و اقتصادی خود استفاده کنند

و جهت‌گیری رفتارهای انسانی بر اساس اراده الهی تنظیم شود. وحی، حتی به حس و عقل انسان جهت خاصی برای ایفای نقش مفید در تنظیم روابط اجتماعی و اقتصادی می‌دهد. در مبانی نظام سرمایه‌داری آمده که اگر انسان‌ها از آموزه وحی در تنظیم

روابط اجتماعی و اقتصادی خود استفاده نکنند، عقل انسان نمی‌تواند راهنمای وی در همکاری و تعاون باشد؛ چرا که بدون آموزه وحی، وظیفه عقل آن است که در جهت ارضای خواهش‌های نفسانی و شهوت‌های انسان باشد. عقل انسان حتی اگر درک کند که تعاون و همکاری برای وی مفید است، در تحلیل نهایی به آنجا می‌رسد که خدمتگزار شهوت‌های انسان باشد. بنابراین، بدون باور به آموزه‌های وحی و هدایت تشریحی خدای متعال، هیچگاه دگرخواهی و تعاون واقعی پدید نمی‌آید و در صورت پدیدآمدن، قوام نمی‌یابد؛

۴. فقط با باور به هدایت تکوینی (سوره مبارکه طه، آیه ۵۰) خدای متعال، می‌توان به اسباب و علل غیرمادی باور داشت. این باور افزون بر آنکه باعث می‌شود انسان‌ها از ابزارهای معنوی برای بهبود وضعیت اقتصادی خود بهره ببرند- مانند اینکه نماز باران برای نزول باران، اثر نماز شب برای رفع فقر، و تقوا برای نزول برکت‌های الهی- باعث می‌شود تا انسان باور داشته باشد که با کمک به دیگران، روزی افزایش می‌شود. چون بر پایه برخی از آموزه‌های وحیانی، صدقه و کمک به دیگران باعث افزایش رزق و روزی می‌شود. این باور در تعاون که برخی از ارزش‌های اساسی آن، فداکاری و کمک به دیگران است، اثر مهمی خواهد داشت؛

۵. خدای متعال، در تکوین و تقنین عدالت را رعایت کرده است. این امر به آن معناست که با رعایت آموزه‌های وحی، انسان‌ها هدایت تکوینی مناسبی پیدا

نظام سرمایه‌داری بر مبنای
اصالت فرد باور دارد افراد در
عرصه اقتصادی به طور کامل
مطلق آزاد هستند و می‌توانند
بدون ملاحظه ارزش‌های
اخلاقی با هم رقابت کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
رتال جامع علوم انسانی



می‌کنند و با قرار گرفتن در راه هدایت تشریحی، به هدف غایی زندگی خود که همان کمال و سعادت است، نزدیک می‌شوند. یکی از هدف‌های تعاون، تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی است. واضح است که باور و عمل به مطلب پیش‌گفته، نظام تعاون را در وصول به یکی از هدف‌های مهمش یاری می‌کند. تحقق هدف پیش‌گفته در نظام تعاون با توجه به ضمانت اجرایی که باور به خدای متعال پدید می‌آورد، سهل‌تر خواهد بود.

جهان‌شناسی اسلامی و اثر آن بر اقتصاد تعاونی

از مسلمات جهان‌بینی اسلامی آن است که جهان هستی مشتمل بر دو عالم دنیا و آخرت است. انسان دارای دو زندگی یکی در دنیا و دیگری در آخرت است و زندگی آخرت در طول حیات دنیایی و در ادامه آن است. حیات انسان در عالم آخرت جاویدان و ازلی است. حیات عالم دنیایی انسان در عالم آخرت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و برای تمام اعمال کوچک و بزرگ وی پاداش و کیفر تعیین می‌شود (سوره مبارکه زلزله، آیات ۸-۶). نعمت‌های عالم آخرت بی‌بدیل، گسترده و پایان‌ناپذیر است و برای مؤمنان هرگونه لذت و به هر مقداری در عالم آخرت فراهم است. (سوره مبارکه غافر، آیه ۴۰ و سوره مبارکه زخرف، آیات ۷۱ و ۷۲)

با توجه به نتیجه‌های پیش‌گفته، انسان بر اساس جهان‌شناسی اسلامی در برابر عمل به آموزه‌های تعاون، هیچگاه احساس نمی‌کند که چیزی را از دست داده است، بلکه وی یقین دارد که اینگونه اقدام‌ها نوعی سرمایه‌گذاری است که سود فراوان و پایدار در زندگی دارد. چون وی باور دارد که در طول حیات دنیایی، حیات جاویدان و ازلی دیگری در پیش دارد. وی در آنجا نیز نیازمند توشه زندگی است و آن توشه جز با عمل به امور نیک در حیات دنیایی

تأمین نخواهد شد. این انسان، آخرت و نعمت‌های آن را هدف قرار می‌دهد، در عین حال، از نعمت‌های دنیا به صورت کامل استفاده می‌کند.

انسان‌شناسی اسلامی و اثر آن بر اقتصاد تعاونی

انسان جسم و روح دارد و انسان مسلمان برای تکامل جسم و روح خود می‌کوشد (سوره مبارکه حجر، آیات ۲۸ و ۲۹). انسان جانشین خدا روی زمین و مسئول در برابر وی است (سوره مبارکه انعام، آیه ۱۶۵؛ سوره مبارکه بقره، آیه ۳۰). هدف از آفرینش انسان دستیابی به سعادت و کمال است. سعادت انسان عبارت است از: برخورداری از بیشترین لذت و کمترین رنج در حیات دنیایی و آخرتی. انسانی سعادت‌مندتر است که لذت‌های دنیایی و آخرتش بیشتر باشد. خوب از نظر انسان آن است که وی را به هدف زندگی نزدیک کند و بد آن است که وی را از هدف دور سازد. رفتار عقلایی اقتضا دارد که انسان همیشه در پی لذت بیشتر و پایدارتر باشد. (یوسفی، ۱۳۸۶: ۲۰۸-۱۹۸)

با توجه به مطالب پیشین، یگانه انسانی را که اسلام هدف قرار داده است، می‌تواند

نظام توزیع نه در اختیار دولت است و نه به طور مطلق در اختیار افراد، بلکه ضمن اینکه افراد آزاد هستند و بازار به توزیع می‌پردازد اما دولت در برابر اتفاق‌های نظام توزیع، به‌ویژه اگر ظلمی روی دهد مسئولیت دارد. بنابراین، حضور مسئولانه دولت در اقتصاد پذیرفته است.

انسان تعاون‌طلب حقیقی باشد. چون این انسان باور دارد که عمل به اصول و ارزش‌های تعاون به یقین وی را در راه هدف آفرینش قرار می‌دهد، به مسئولیت خود در برابر خدا و خلقتش عمل می‌کند و سرانجام به سعادت ابدی دست می‌یابد. انسانی که دغدغه تکامل روح خود را دارد، آماده است به اصول و ارزش‌های تعاون عمل کند.

فقط کسانی که به جایگاه رفیع انسانی - یعنی جانشینی خدا - باور دارند، حاضر هستند اراده وی را در تولید و توزیع در تعاونی به رسمیت بشناسند و جایگاه اصلی را در فعالیت اقتصادی به جای سرمایه به انسان بدهند.

جامعه‌شناسی اسلامی و اثر آن بر تعاون

اسلام نظریه رایج اصالت فرد یا اصالت جامعه را نمی‌پذیرد. آموزه‌های اسلامی ما را به دیدگاه سومی - مثل نظریه اصالت فرد و جامعه - ارشاد می‌کنند. ثمره این دیدگاه با دو دیدگاه دیگر متفاوت است. نظام سرمایه‌داری بر مبنای اصالت فرد باور دارد افراد در عرصه اقتصادی به طور کامل مطلق آزاد هستند و می‌توانند بدون ملاحظه ارزش‌های اخلاقی با هم رقابت کنند. نظام پیش‌گفته قائل به مالکیت مطلق فردی است و دخالت دولت در اقتصاد را نمی‌پذیرد. نظام توزیع را به بازار می‌سپارد که سلیقه‌های افراد تعیین‌کننده نوع و کیفیت تولید است. افزون بر این امور در صورتی که بین منافع فرد و جامعه ناسازگاری اتفاق افتد، منافع فرد همیشه مقدم است. با توجه به مبنای انسان‌شناسی در اسلام که انسان در برابر خدا و جامعه مسئولیت دارد، دیدگاه اسلام درباره امور پیش‌گفته با نتیجه‌های دیدگاه سرمایه‌داری متفاوت است.

اسلام، آزادی و رقابت مسئولانه و مالکیت مختلط - فردی، دولتی و عمومی - را

می‌پذیرد. نظام توزیع نه در اختیار دولت است و نه به طور مطلق در اختیار افراد، بلکه ضمن اینکه افراد آزاد هستند و بازار به توزیع می‌پردازد اما دولت در برابر اتفاق‌های نظام توزیع، به‌ویژه اگر ظلمی روی دهد مسئولیت دارد. بنابراین، حضور مسئولانه دولت در اقتصاد پذیرفته است. افزون بر این امور، اگر ناسازگاری بین منافع فرد و جامعه پدید آید، نمی‌توان حکم قاطع به نفع فرد یا جامعه کرد، بلکه در مقام ارزش‌گذاری، هر جا باید سهم فرد و جامعه را سنجید و بر اساس میزان سهم منافع هر یک از فرد یا جامعه، ضرر یا منفعت فرد یا جامعه را باید لحاظ کرد. هیچ‌یک از دیدگاه اصالت فرد و اصالت جامعه، سازگاری با تعاون ندارد اما دیدگاه اصالت فرد و جامعه با آموزه‌های تعاونی همسویی دارد. تعاون، نظامی است که نه فرد را بی‌هویت معرفی می‌کند و نه جامعه را امر موهومی می‌پندارد. بلکه شعار یکی برای همه و همه برای یکی از شعارهای تعاونی است، یعنی فرد و جامعه را امر اصیل می‌داند. بر این اساس، یکی از اصول خود را آزادی فردی قرار داده است اما در کنار این آزادی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دگرخواهی را نیز امر بنیانی در اقتصاد تعاونی می‌داند. مالکیت فردی را به رسمیت می‌شناسد اما بر شکل مشارکتی آن تأکید می‌کند.

تعاونی ضمن حفظ استقلال، خواهان حمایت دولت از تعاونی‌هاست. نظام تعیین قیمت و سود را دولتی و به‌طور مطلق به دست ترجیحات افراد نمی‌داند، بلکه سود مشخصی را خواستار است و سوءاستفاده افراد را برای قیمت‌های غیرعادلانه نمی‌پسندد. هیچگاه در ناسازگاری بین منافع فردی و جامعه یک طرف را قربانی طرف دیگر نمی‌کند، بلکه منفعت و ضرر را عادلانه بین دو طرف توزیع می‌کند. روشن است که این قاعده‌هایی که در نظام تعاون دنبال می‌شود فقط با اصالت فرد و جامعه سازگار است که اسلام نیز آن را تأیید می‌کند.

منابع و مأخذ

آربلاستر، آنتونی (۱۳۷۷). ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.

آندره، لالاند (۱۳۷۵). فرهنگ علمی - انتقادی فلسفه، ترجمه غلامرضا وثیق، تهران: مؤسسه انتشاراتی فردوسی.

اتحادیه بین‌المللی تعاون (۱۳۷۷). گزارش کار سی‌ویکمین کنگره اتحادیه بین‌المللی تعاون منچستر، ترجمه معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج دفتر تحقیقات، تهران: وزارت تعاون.

اسمیت، لوئیس (۱۳۴۹). سیر تکاملی تعاون کشاورزی، تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور.

افتخاری، جواد (۱۳۸۴). شرکت‌های تجاری، تهران: ققنوس.

اولیل، پل روی (۱۳۴۹). شرکت‌های تعاونی وضع فعلی و آینده آنها، ترجمه سازمان مرکزی تعاون کشور، تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور.

باری، بوزان (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بانک جهانی (۱۹۹۵). «گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۵»، ترجمه غلامحسین صالح‌نسب، مجله نهاد، سال ۱۵، ش ۱۸۰ و ۱۸۱.

بدن، لویی (۱۳۵۴). تاریخ عقاید اقتصادی، ترجمه هوشنگ نهلوندی، تهران: مروارید.

بلوم، ویلیام تی (۱۳۷۳). نظریه‌های نظام سیاسی، ترجمه احمد تدین، تهران: آران.

بیو، والدن (۱۳۷۶). پیروزی سیاه، ترجمه احمد سیف و کاظم فرهادی، تهران: نقش جهان.

بازارگرد، بهاء‌الدین (۱۳۸۲). تاریخ فلسفه سیاسی، تألیف و ترجمه انتشارات زوار، تهران: زوار.

پالمیر، رابرت روزدل (۱۳۸۳). تاریخ جهان نو، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران: امیرکبیر.

پیرزانه (۱۳۷۲). اخلاق، ترجمه بدرالدین کتابی، اصفهان: اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان.

تفضلی، فریدون (۱۳۷۵). تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا دوره معاصر)، تهران: نی.

تیرل وال، ا. پ (۱۳۷۸). رشد و توسعه، ترجمه منوچهر فرهنگ و فرشید مجاور حسینی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

دیویدویچ، جرج (۱۳۴۷). به سوی دنیای تعاون، ترجمه سازمان مرکزی تعاون کشور، تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور.

راسل، برتراند (۱۳۷۳). تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریابندری، تهران: کتاب پرواز.

راسل، برتراند (۱۳۷۶). آزادی و سازمان، ترجمه علی ورامین، تهران: نشر و پژوهش فرزاد.

رنانی، محسن (۱۳۷۶). بازار یا نابازار، تهران: سازمان برنامه و بودجه.

ریچارد، هنری پاپکین و آروم استرول (۱۳۷۴). کلیات فلسفه، ترجمه سیدجلال‌الدین مجتوبی، تهران: حکمت.

ژید، شارل و شال ژیسست (۱۳۷۰). تاریخ عقاید اقتصادی، ترجمه کریم سنجابی، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

سی‌بی‌مک، فرسون (۱۳۶۹). جهان حقیقی دموکراسی، ترجمه مجید مددی، تهران: البرز.

صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۱۳). فلسفتنا، درسه موضوعه فی معترک الصراع الفکری القائم، تهران: دارالتعارف للمطبوعات.

طالب، مهدی (۱۳۷۶). اصول و اندیشه‌های تعاونی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

فروم، اریک (۱۳۸۵). جامعه سالم، ترجمه اکبر تبریزی، تهران: بهجت.

قدیری‌اصلی، باقر (۱۳۶۸). سیر اندیشه‌های اقتصادی، تهران: دانشگاه تهران.

کاپلستون، فردریک (۱۳۷۵). تاریخ فلسفه (فیلسوفان انگلیسی)، ترجمه امیرجلال‌الدین اعلم، تهران: سروش.

کالن، هوراس (۱۳۵۰). نشیب و فراز قدرت مصرف‌کننده، ترجمه و انتشار سازمان مرکزی تعاون کشور، تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور.

ماکارو، دیوید (۱۳۷۸). رفاه اجتماعی (ساختار و عملکرد)، ترجمه محمدتقی جغتایی و فریده همتی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

موحد، محمدعلی (۱۳۸۱). در هوای حق و عدالت (از حقوق طبیعی تا حقوق بشر)، تهران: کارنامه.

نمازی، حسین (۱۳۸۲). نظام‌های اقتصادی، تهران: شرکت سهامی انتشارات.

وزارت تعاون و امور روستاها (۱۳۵۳). «مجموعه گفتارهای تعاونی، وزارت تعاون و امور روستاها».

نشریه ۸۵، تهران: وزارت تعاون و امور روستاها.

هرینگتن، مایکل (۱۳۵۶). آمریکای دیگر: فقر در ایالات متحده، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: خوارزمی.

هلم، فرانس (۱۳۴۹). اقتصاد مؤسسات تعاونی، ترجمه سازمان مرکزی تعاون کشور، تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور.

یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۶). نظام اقتصاد علوی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Comparative Economic Systems.
Gordon, David, Eradicating Poverty in the 2Lst Century: When Will Social Justice be done?